

## تاریخچه اشتغال زن در ایران

دکتر عذرا جاراللهی ❀

کارکردن زنان در خارج از خانه همانند پدیده‌های دیگر اجتماعی از زمانی به زمان دیگر متحول می‌گردد و این تحول می‌تواند مورد مطالعه توصیفی و تبیینی قرار گیرد. هدف این مقاله مطالعه توصیفی اشتغال زنان در ایران است.

زن از زمانهای قدیم تا به امروز غیر از خانه‌داری، در امور مختلف کشاورزی، گله‌داری، صنایع دستی و حتی امور نظامی دوش به دوش مردان مشغول فعالیت بوده است. ولی در دوره‌هایی که خانواده یک واحد اقتصادی نیز به حساب می‌آمده است، فعالیت‌های تولیدی زن که در خانه و یا نزدیکی آن انجام می‌گرفته است، جزء امور خانگی محسوب می‌شده و زن در ازای آن کارمزدی دریافت نمی‌کرده است.

با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی و تبدیل کارگاه‌های خانگی به کارخانه‌ها، و تبدیل نیروی انسان به نیروی ماشین، تحولات اساسی در شکل و مفهوم کار به وجود آمد و فعالیت اقتصادی زن در مقابل دریافت مزد از خانه به کارخانه کشیده شد. از آن زمان به بعد زنان با تحصیل علم در سطوح بالاتر، علاوه بر فعالیت‌های تولیدی، در سایر زمینه‌ها و در پست‌های گوناگون مشغول به کار شدند.

در اکثر کشورهای صنعتی که تساوی زن و مرد از نظر حقوق اجتماعی علاوه بر اینکه شکل مدون و قانونی به خود گرفته، مورد توافق اکثریت نیز هست، حدود نیمی از نیروی

کار را زنان تشکیل می دهند. لذا در این کشورها این سؤال که «آیا زن می تواند در خارج از خانه کار کند؟» کمتر مطرح است و دولتهای مربوط هم با ایجاد تسهیلات لازم سعی در کمک به زنان - به خصوص مادران - شاغل دارند. در نتیجه امور مربوط به خانه مانع اساسی برای شاغل شدن آنان نیست. اما در کشورهای در حال توسعه که زنان به نسبت نیروی ناچیزی از کار را تشکیل می دهند، پدیده کار زن در خارج از خانه به عنوان یک مسئله اجتماعی هم در سطح خانواده ها و هم در سطح کشور به صورت نسبتاً حادی مطرح است. بنابراین وضعیت اشتغال زنان در سطوح خرد و کلان و از جهات گوناگون از زمینه های با ارزش در تحقیقات اجتماعی است.

بررسی تحقیقاتی که تاکنون در زمینه اشتغال زن در ایران انجام گرفته نشان می دهد که تعداد این گونه تحقیقات انگشت شمار است. در این مقاله توصیفی با عنوان «تاریخچه اشتغال زن در ایران»، وضعیت اشتغال زنان ایرانی در چهار دوره قبل از اسلام، از ظهور دین اسلام تا نیمه قرن دوازدهم ه. ش.، از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم ه. ش. و قرن چهاردهم ه. ش. به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته است. انتخاب این مقاطع تاریخی به دلیل تحول عمده ای بوده است که در وضعیت اشتغال زن در هر یک از این مقاطع حاصل شده است. امید است که این مقاله راه گشای تحقیقات آتی در این زمینه گردد.

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۱- اشتغال زن در ایران در دوره قبل از اسلام:

از زمان پیدایش انسان بر روی زمین، زن و مرد هر دو کار می کردند. تقسیم کار بر حسب سن و جنس از طرف فرهنگ شناسان در میان اقوام مختلف مورد توجه قرار گرفته است. چنین به نظر می رسد که نظم و قاعده ای برای ارجاع کار به افراد وجود داشته است. گروهی از مورخان این پدیده را چنین تحلیل می کنند: «در پایان دوران کهن سنگی دیرین است که تقسیم کار میان زن و مرد به وجود می آید، مردان به شکار مشغول می شوند و زنان و کودکان به جمع آوری میوه ها و گیاهان می پردازند، و از قول باستانشناسی به نام پ. افی منکو اضافه می کنند که ابزار نئاندرتالها به هر دو جنس، مرد

و زن تعلق داشته است. قطعات ابزارهای نوک‌تیز، چاقوی مردان بود و زنان وسایل خراش و تراش به کار می‌بردند.<sup>۱</sup> ناگفته نماند که یکی از عواملی که زنان را به خانه‌داری و کشاورزی سوق داد وظیفه دفاعی مردان بود که بیشتر اوقات سرگرم نبرد با دشمنان قبیله خود بودند و فرصت لازم را برای کار در خانه و مزرعه به دست نمی‌آوردند.

کار کردن زن در مزرعه موجب شد تا او در کشاورزی مهارت و تخصصی پیدا کند و به جای گردآوری حبوبات، خود به کاشتن دانه پردازد. مردان هم کوشش کردند تا ابزارهای کشاورزی از قبیل داس سنگی و کج بیل بسازند. زنان به تدریج توانستند حیوانات را رام کنند و از آنها علاوه بر استفاده‌های غذایی به عنوان نیروی کار نیز استفاده کنند.

ویل دورانت می‌گوید: «در اجتماعات ابتدایی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی به دست زنان اتفاق افتاده است نه به دست مردان، در آن هنگام که قرنهای متوالی مردان دائماً با طریقه‌های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه زراعت را ترقی می‌داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد می‌کرده که هر یک روزی پایه صنایع بسیار مهمی شده است. از پنبه که به گفته یونانیان «درخت پشم» است، همین زن ابتدایی نخست ریسمان و پس از آن پارچه را اختراع کرد، و نیز زن است که به اقرب احتمال سبب ترقی فن دوخت و دوز و نساجی و کوزه‌گری و سبدهافی و درودگری و خانه‌سازی گردید، و هموست که غالب اوقات به کار تجارت می‌پرداخته است.»<sup>۲</sup>

در حفاریهای تپه سیالک در کاشان، دقت نظر زنان و تخصص و هنرنمایی آنان بخوبی آشکار است. گیرشمن که در باستانشناسی این دوره از گذشته ایران تبصر داشت می‌نویسد: «زن خود را با باغ مشغول می‌داشت، غذا تهیه می‌کرد و همچنان به ساختن ظروف سفالین نیز می‌پرداخت.»<sup>۳</sup>

در عصر نوسنگی زن حتی به مقام روحانیت می‌رسید. در مراسم رقصهای مذهبی

۱. دفتر پژوهشهای فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی. حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران.

تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۲۲-۲۳.

۲. همان، ص ۲۳.

۳. همان، ص ۲۴.

مقامی والا داشت. در حفاریهای تخت جمشید، تپه ارسنجان، و شهر ری (چشمه علی) نشانه‌هایی به دست آمده است که مؤید این امر است.<sup>۱</sup>

با برتریایی که زن در امور اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی به دست آورد دوره‌ای در زندگی بشر بنام عصر زن سالاری (= مادر شاهی) آغاز شد. این دوره زمانی شروع شد که انسان به امر کشاورزی و بر خورداری بیشتر از زمین آگاهی یافت. در این دوره واحد خانواده به طایفه مادر تعلق داشت. شوهر وارد خانواده زن می‌شد و در صورت ناتوانی و داشتن معایب دیگر، زن می‌توانست او را طرد کند. شوهر به طایفه مادری خود پایبندی نشان می‌داد. اداره‌کنندگان امور خانه و سازمان دهندگان امر تولید زنان بودند، علاوه بر آنکه طبیعت بچه‌آوری را بر عهده زنان نهاده بود. دفاع از قبیله در برابر دشمنان تنها وظیفه مردان بود که با همه اهمیتش در برابر وظائف زنان برجستگی لازم را نداشت.<sup>۲</sup>

دوران زن‌سالاری در فلات ایران با وجود شباهتهایی که با جوامع دیگر داشته، از ویژگیهای خاص خود برخوردار بوده است. «در این عصر اغلب ارباب انواع به شکل زنان زیبا و خوش‌اندام و مظهر خرد و دانش تصویر شده‌اند. در موزه برلین مجسمه‌ای نگهداری می‌شود که در کوههای زاگرس ایران پیدا شده است. این مجسمه برنزی که ۱/۸۰۰ کیلوگرم وزن و ۱/۷۵ متر ارتفاع دارد متعلق به دوره مفرغ است. نام آن ناپیراسو<sup>۳</sup>، الهه یا ملکه برجسته ساکنان فلات است و بیش از ۳۵۰۰ سال عمر دارد. چهره و اندام این مجسمه زنانه است و نشان‌دهنده دوران قدرت زن در جامعه بشمار می‌رود.<sup>۴</sup>

پس از گذشت هزاران سال از دوره برتری زن، و سپس یک دوره تساوی قدرت بین زن و مرد، عصر مرد سالاری (= پدرشاهی) آغاز شد که تا امروز به گونه‌ای ادامه دارد. مرد با قدرت جسمانی بیشتر خود خیش و حیوانات بارکش را به کار گرفت و به تدریج عهده‌دار کارهای تولیدی شد و زن که همه‌کاره بود از آن پس در خانه ماند و به

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۶-۲۵.

3. Napirasow

۴. همان، ص ۲۷.

خانه‌داری پرداخت. در ابتدای این دوره حقوق زن با مرد برابر بود ولی به تدریج با رشد دامداری و کشاورزی و اختصاص پاره‌ای از حرفه‌های صنعتی و هنری به مردان، برتری مرد رو به فزونی نهاد.<sup>۱</sup> در نتیجه، از وظایف زنان کاسته شد و به کارهای خدماتی و ذوقی درون خانه محدود گردید، به طوری که در پاره‌ای از جماعات بشری زنان در حد بردگانی که کارهای خانگی را انجام می‌دادند قرار گرفتند.<sup>۲</sup>

نظام مردسالاری که ظاهراً جهانی و عمومی است از سویی ناشی از رشد فرهنگی و اقتصادی جامعه و از سوی دیگر تحت تأثیر عوامل فطری و ساختار طبیعی و زیست‌شناختی زن بوده است.<sup>۳</sup>

با ورود آریاییها به فلات ایران و بروز جدالهای فرهنگی، زن ایرانی از لحاظ اجتماعی و سیاسی بویژه پس از وحدت حکومت در موقعیت و منزلت جدیدی قرار گرفت. برای درک این موضوع نگاه مختصری به شرایط زنان در دوره ساسانیان می‌افکنیم.

در دوره ساسانیان افراد جامعه به چهار طبقه روحانیان، جنگجویان، دیران و توده مردم شامل صنعتگران شهری و روستاییان تقسیم می‌شدند. گروه دیگر اشراف بودند که در مرتبه بالاتری قرار داشتند. در این جامعه طبقاتی کار و مشاغل زنان متناسب با طبقه‌ای بود که در آن تولد یافته بودند. به عنوان مثال، پورانداخت و آذرمیدخت از زنان خاندان شاهی در خلال ۴ سال هرج و مرج بین سالهای ۶۳۲-۶۲۸ حکومت کردند ولی حکومتشان الزاماً به معنی به رسمیت شناختن حقوق سیاسی زنان نبود بلکه به این دلیل بود که کاندیداهای مناسبی وجود نداشت.<sup>۴</sup> و یا نام زنانی بلند مرتبه چون «دینگ» و

۱. ویل دورانت می‌نویسد: «اختلاف مقاومتی که اکنون در میان زن و مرد دیده می‌شود، آن روزها چندان قابل ملاحظه نبوده است. این اختلاف بیشتر از لحاظ شرایط زندگی و محیط پیدا شده و از حیث عمقی و فطری بودن چندان قابل توجه نیست. زن، اگر از ضعفهای جسمانی او چشم‌پوشیم، در آن هنگام از حیث بلندی قامت و بردباری و چاره‌اندیشی و شجاعت دست کمی از مرد نداشته، و مرد به او به مثابه زینت یا بازیچه جنسی نظر نمی‌کرده است. بلکه موجودی بوده نیرومند که می‌توانسته ساعات درازی به انجام کارهای دشوار بپردازد، و هنگام ضرورت نیز، در راه فرزندان و عشیره خود تا حد مرگ می‌جنگیده است» (تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، ص ۵۱ و ۵۲).

۲. همان، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۳۰.

4. Gerty Nashat. *Women and Revolution in Iran*. Boulder, Colorado: Westview

«شاپوردختک» در تاریخ ثبت است. زنان به فراخور طبقه خود به کار ریسندگی، کشت و زرع در مزارع و یا صنعت اشتغال داشتند. به پاره‌ای از فعالیت‌های زنانه مانند دایگی و کمک به زانو مزد تعلق می‌گرفته است.<sup>۱</sup> ظاهراً زنان در قضا و دادگستری به شرط داشتن تحصیلات حقوقی صاحب مقام می‌شدند.<sup>۲</sup> خلاصه زن می‌توانسته است با بهره جستن از نیروی کار خود دستمزدی داشته باشد و در صورت لزوم آن دستمزد را به شوهر خود بدهد. به علاوه بنا بر شرط ضمن عقد، زن می‌توانسته است در درآمد شوهر سهیم گردد.<sup>۳</sup>

با این همه زنان در دوره ساسانیان از حقوق و امتیازات اجتماعی کمتری نسبت به مردان برخوردار بودند. خانه‌داری و مادر شدن و تربیت فرزندان برای زنان تأکید می‌شده است. در «گاهان»<sup>۴</sup> در زمینه نقش زن در زندگی اجتماعی آمده است که: «وی یکی از افراد گروه اجتماعی است و نقش خاص خود را باید چونان دختر و همسر و مادر، در خانواده ایفا کند. در اینجا زن سهم طبیعی و زیستی زایمان و پرورش نوزاد را بر عهده دارد که موجب دوام جامعه و بقای نسل و نوع بشر است.»<sup>۵</sup> گذشته از نوشته‌های مذهبی، در متون پهلوی نیز آمده است که زادن و پرورش نوزاد بر عهده زن و تأمین خوراک مادر و کودکان عمدتاً بر دوش مرد است.<sup>۶</sup> خانه‌نشینی تدریجی زنها که نه تنها بر اثر شرایط اجتماعی، بلکه توسط مذهب زرتشت نیز تقویت می‌شد سبب گردید تا کار مردها با ارزشتر از کار زنها جلوه کند و مردها با هوش‌تر از زنها تصور شوند و در نتیجه مقام اجتماعی زن تنزل یابد. به طور کلی از کتابهای پهلوی برمی‌آید که اعتبار جنس مذکر و

Press. 1983. P.8.

۱. دفتر پژوهش‌های فرهنگی ... پیشین، ص ۹۸-۹۷.

۲. در این دوره در باره سواد آموزی زنان تأکیدهای فراوانی شده بود (رجوع شود به مجموعه پندنامه آذریاد مهراسپندان و وندیداد) ولی عملاً تحصیلات عالی نظری بیشتر گروههای مرفه و صاحب قدرت جامعه تعلق داشت.

۳. همان، ص ۹۸.

۴. نام سرودهای آسمانی زرتشت است.

۵. همان، ص ۴۹.

۶. همان، ص ۵۷.

اقتدار قدیمی پدران در جامعه عتیق هند و اروپاییان چنان اثری در امپراتوری ساسانی بر جای گذاشت که پسرزاده شدن امتیازی برای فرد بود. انسان مذکر هم از حرمت و مزایای حقوقی بسیاری برخوردار می شد و هم مسئولیت تأمین معاش زن و فرزندان را بر عهده داشت. زن بیوه مظهر بی پناهی و رنجوری بود. فقط زن کوشا و هوشیار با سود جستن از حق تملک و دارایی و کار، می توانست جایگاه ارجمند و بلندی در جامعه بیابد.<sup>۱</sup>

## ۲- از ظهور دین اسلام تا نیمه قرن دوازدهم ه. ش.

ظهور دین اسلام موجب تغییراتی در مقام اجتماعی زن گردید. به گفته شهید مطهری مخالفان هم لااقل این اندازه اعتراف دارند که قرآن در عصر نزولش گامهای بلندی به سود زن و حقوق انسانی او برداشته است.<sup>۲</sup> این دین امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قایل نشده است بلکه اصل مساوات انسانها را درباره زن و مرد رعایت کرده است. این تساوی حتی در خلقت و آفرینش زن و مرد در این دین مشاهده می شود.<sup>۳</sup> قرآن مجید قهرمانان داستانهای خود را منحصر به مردان نکرده است. از همسران آدم و ابراهیم و مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است و زن فرعون را زن بزرگی می داند که گرفتار مرد پلیدی بوده است. البته از زنان ناشایستی چون همسران نوح و لوط هم غفلت نکرده است.<sup>۴</sup> هم چنین در قرآن به آیه هایی بر می خوریم که نشان می دهد در دین اسلام زنان مانند مردان از استقلال مالی برخوردارند.<sup>۵</sup>

۱. الف: همان، ص ۴۸-۸۱.

B: Nashat. *OP. Cit.* PP. 8 - 11.

۲. مرتضی مطهری. *نظام حقوق زن در اسلام*. قم: صدرا، ۱۳۵۷. ص. بیست و پنج.

۳. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ... (سوره اعراف، آیه ۱۸۹). یعنی او خدایی است که شما را از یک تن آفرید ...

۴. همان، ص ۱۱۸-۱۱۲.

۵. لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا كَسَبْنَ (سوره نساء، آیه ۳۲). یعنی مردان را از آنچه کسب می کنند و به دست می آورند بهره ای است و زنان را از آنچه کسب می کنند و به دست می آورند بهره ای است.

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ (سوره نساء، آیه ۷).

در تاریخ خود اسلام هم زنان عالیقدر فراوانند. در صدر اسلام نقشهای افتخارآمیز منحصر به مردان نبوده است، بلکه زنان بسیاری در شئون زندگی اجتماعی و سیاسی شایستگی و از خودگذشتگی بسیاری نشان داده‌اند. به عنوان مثال می‌توان از خدیجه (س) نام برد که هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی کمک زیادی به پیامبر اسلام (ص) کرد. وی مصایب و مشکلات را بر پیامبر آسان می‌ساخت، مضافاً اینکه ثروت او یکی از پایه‌های دعوت اسلامی را تشکیل می‌داد. فاطمه (س) دختر پیامبر اسلام در مکتب وحی علوم بی‌شماری فرا گرفت. زینب (س) دختر حضرت علی (ع) از پاسداران پرچم اسلام بود. وی با نطقهای مهیج خود جنایات بنی‌امیه را بر ملا کرد و در شب یازدهم محرم به دستگیری برخی زنان دیگر برای جمع‌آوری اطفال بی‌پناه به جستجو پرداخت. او با روشن کردن افکار مردم مدینه سبب گردید تا مردم آنجا علیه بنی‌امیه طغیان کنند. اُمّ وُرَقه دختر عبدالله بن حارث آیات قرآن را جمع‌آوری کرد و نیز در جنگ بدر به جبهه رفت و به پرستاری مجروحین پرداخت. اُمّ سلیم مادر عبدالله بن ابی طلحه در جنگ احد به مداوای زخمیان پرداخت و در حالی که حامله بود در جنگ حنین که یکی از خونین‌ترین جنگهای کفار با مسلمانان بود شرکت داشت. بالاخره سمیه به قول مورخان نخستین شهید راه اسلام است که در راه حمایت از پیامبر توسط ابوجهل به قتل رسید.<sup>۱</sup> به طور کلی یکی از اهداف پیامبر اسلام تأمین آزادی و آزادگی برای زن بود اما در پناه ایمان. او بسیار کوشید تا زنان در قلمرو تواناییهای فطری و طبیعی خود به هر مقامی که مایل اند دست یابند.<sup>۲</sup>

معهد انحرافاتنی که بعداً در نظام اجتماعی مسلمانان روی داد موجب تقویت انزوای زنها و خنثی‌گردیدن تعالیم تساوی طلبانه اسلام شد. از این وقایع گسترش زندگی شهری در قرون اولیه دوره اسلامی بود، زیرا ترکیب بچه‌داری با فعالیت‌های خارج از خانه

یعنی مردان را از مالی که پدر و مادر و یا خویشاوندان بعد از مردن خود باقی می‌گذارند بهره‌ای است و زنان را هم از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود باقی می‌گذارند بهره‌ای است.

۱. سید خلیل خلیلیان. سیمای زنان در قرآن و زنان بزرگ در صدر اسلام. تهران: شرکت سهامی انتشار. ۱۳۴۹. ص ۲۵۶-۱۵۱.

۲. همان، ص ۱۹۶-۱۹۵.



برای این زنان آسان نبود. از طرفی به دلیل فراوان بودن برده که حتی یک خانواده متوسط هم می‌توانست یک یا دو برده داشته باشد که کارهای خارج از خانه را انجام دهد، زن خانه‌نشین شد و کار او به انجام کارهای داخل خانه محدود گردید.<sup>۱</sup>

علی‌رغم تشویق و ترغیب دین اسلام به دانش‌اندوزی و سوادآموزی، عملاً این امر در مورد زنان رواج نیافت. افرادی که به سوادآموزی دختران خود اعتقاد داشتند اگر از لحاظ اقتصادی مرفه بودند، دختران خانواده‌های نزدیک را در خانه جمع می‌کردند و با آوردن معلمه سرخانه (=ملاباحی) کلاس درس تشکیل می‌دادند. آنهایی که وضع مالی خوبی نداشتند و یا به دلایل دیگر نمی‌توانستند از معلم خصوصی برای دختران خود استفاده کنند، آنها را به مکتب‌خانه می‌فرستادند. وجود محدودیتهای تحصیلی برای زنان خود عامل دیگری در جهت تشدید محرومیت آنها از فعالیتهای اجتماعی بود.<sup>۲</sup>

حقیقت این است که در این دوره نیز مانند دوره قبل، زنان از فعالیتهای اجتماعی کاملاً برکنار نبوده‌اند. به عنوان مثال، در امر سیاست کشور به دو طریق، یکی غیر مستقیم، یعنی شرکت در شبکه ازدواج قدرتهای گوناگون، و دیگر مستقیم، یعنی رسیدن به رأس هرم قدرت، دخالت داشته‌اند. در طریقه دوم از پوران مادر حسنک وزیر، سیده خاتون همسر رکن‌الدوله دیلمی، گوهرشاد خاتون همسر شاهرخ تیموری، ترکان خاتون همسر ملکشاه سلجوقی، پری خان خانم دختر شاه طهماسب صفوی می‌توان نام برد. در عرفان نه تنها زنان سهم داشتند بلکه توانستند غنای بیشتری به آن بدهند. در این زمینه از جمله می‌توان از خواهر ابوسعید ابوالخیر، فاطمه نیشابوری و دختر استاد ابوعلی دقاق نام برد. در علم می‌توان از ابن بی‌بی، یکی از منجمان دربار سلجوقی، و یا از ریحانه دختر حسین خوارزمی که ابوریحان بیرونی کتاب خود را جهت آموختن نجوم به او نوشته بود نام برد.<sup>۳</sup>

نتیجه اینکه می‌توان گفت در دوره‌های قبل و بعد از اسلام تا نیمه قرن دوازدهم در کل

1. Nashat. *OP. Cit.* PP. 8-11.

۲. ناصر تکمیل همایون. «بررسی موقع و منزلت زن در تاریخ ایران». فرهنگ و زندگی (۱۹ و ۲۰). پائیز- زمستان ۱۳۵۲. ص ۲۰-۲۲

۳. همان، ص ۲۲-۲۴.

جامعه (شهری، روستایی و ایلی) زن صرفاً در زمینه خانواده نقش اول را پیدا می‌کند و فعالیت‌هایش عمدتاً محدود به کارهای داخل خانه می‌شود و حتی نقش او در خارج از خانه در واقع ادامه نقش او در داخل خانه بوده است.

۳- از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم ه. ش.

این دوره با سلطنت ایل قاجار در ایران مصادف است. قاجاریه از سال ۱۳۰۴ - ۱۱۵۸ هجری شمسی مطابق با ۱۹۲۵ - ۱۷۷۹ میلادی، یعنی حدود ۱۵۰ سال، بر ایران حکومت رانند. ساخت جامعه ایران در این دوره ساختی سنتی - مذهبی بود، یعنی افراد پای بند آداب و رسوم و سنن ملی و شعایر مذهبی بودند و این دنباله ساختی بود که در دوره صفویه به وجود آمده بود. از نظر اقتصادی هم اقتصاد کشاورزی بر جامعه حکم فرما بود. هر چند موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در سراسر ایران یکسان نبود و بر حسب وضع محل و عرف و عادت و سنن محلی متفاوت بود، به طور کلی می‌توان گفت موقعیتی ناچیز بود و به فرزند آوردن و انجام کارهای خانگی و گاهی کشاورزی و نساجی محدود می‌شد و زنان در خارج از خانه مسئولیتی نداشتند.<sup>۱</sup>

ارتباط وسیعتر ایران با تمدن صنعتی غرب سبب تغییر در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه و در نتیجه دگرگونی در زندگی و موقعیت اجتماعی زنان پایتخت و شهرهای بزرگ گردید، ولی در موقعیت اجتماعی زنان روستایی و زنان ایل نشین به دلیل دور ماندن آنها از ارزشهای غربی تغییرات عمده‌ای به وجود نیامد.<sup>۲</sup> صنعت و خدمات به تدریج جایگزین اقتصاد روستایی حاکم بر شهرها شد و مشاغل جدیدی در این دو نوع از فعالیت به وجود آمد که خود موجب رفتارهای تازه‌ای گردید. واحدهای اقتصادی جدیدی مانند کارخانه و شرکت و بانک به وجود آمد و سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی توسعه یافت. سرمایه‌گذاری در صنعت مستلزم نیروی انسانی متخصص و غیر متخصص بود. در نتیجه عده‌ای از افراد شهری برای کسب تخصص و عده‌ای نیز به

۱. جمشید بهنام، *ساختهای خانواده و خویشاوندی در ایران*. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۶. ص

۱۳

۲. تکمیل همایون، پیشین، ص ۲۹.

منظور کسب آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی به کشورهای اروپایی سفر کردند.<sup>۱</sup> سفر ایرانیان به غرب و نیز مسافرت اروپاییان به ایران، در نشر افکار و اندیشه‌های غربی در ایران مؤثر واقع شد. به تدریج جمع بسیاری از افراد مدافع تعلیم و تربیت مدرن شدند، هم از این جهت که آنها خود تعلیم و تربیت مدرن داشتند و هم به این خاطر که فوایدش را درک می‌کردند. به علاوه آنان دیدند که دختران به خوبی پسران می‌توانند بیاموزند. لذا چون در ابتدا برای دختران مدرسه‌ای نبود، تعدادی از دختران در خانه و یا در مکتب خانه (شیوه سنتی آموزش) تعلیم دیدند که بیشتر آنها از پیشروان تعلیم و تربیت مدرن برای زنها شدند. از اواسط قرن نوزدهم به بعد بود که به تدریج مدارس توسط خارجی‌ان (امریکایی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها) و ایرانیان متأثر از نظام آموزش و پرورش اروپایی تأسیس گردید، این مدارس بعضی مختلط و بعضی دیگر مخصوص دختران و یا پسران بود.<sup>۲</sup>

تماس زنان ایرانی با زنان اروپایی اگر چه بیشتر محدود به اعضای خانواده سلطنتی، دیپلماتها و اشراف بود، ولی به هر حال فرصتهای دیگری نیز برای مبادله عقاید وجود داشت. آگاهی به زندگی اروپاییان سبب شد که یک عده معتقد شوند که روش زندگی اروپاییان روش بهتری است و از آن تقلید کنند. به طور کلی در نتیجه این تماسها درک زنان از خودشان و طرز تفکر مردان نسبت به زنان تغییر پیدا کرد و موجب شد که زنان نسبت به دوره‌های قبل در عرصه حیات اجتماعی مرئی‌تر شوند و عهده‌دار فعالیتهای اجتماعی گردند. از جمله فعالیتهایی که زنان بدان اشتغال داشتند عبارت بود از:

کارگری: عبدالله یف فصل سوم کتاب خود به نام «صنایع ایران و تولد طبقه کارگر در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم» را به پیدایش طبقه کارگر در ایران اختصاص داده است.<sup>۳</sup> در این کتاب آمده است: «کار زنان و کودکان بطور وسیعی در صنایع کشور رایج

۱. علی اکبر مهدی. در جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. تهران: انتشارات پیام، ۱۳۵۲. ص ۲.

۲. تکمیل همایون. پیشین، ص ۲۲-۳۷.

۳. عبدالله یف در نوشتن این کتاب از منابع و مآخذ و آرشیوهای روسیه تزاری که تاکنون در دسترس نبوده است و حاوی اطلاعات گرانهایی درباره اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سیاسی دوران قاجار به است

بود و برخی از صنایع تقریباً بطور کامل وابسته به کار زنان و کودکان بودند. مثلاً در کارخانه ابریشم تابی رشت تمام ۱۵۰ نفر کارگر را زنان تشکیل می دادند. در صنایع نساجی و بخصوص در قالی بافی زنان بخش اعظم نیروی کار را تشکیل می دادند. در شیلات شمال متعلق به لیانازوف ۳۰۰ نفر کارگر زن اشتغال به کار داشتند.

از وقایع جالب آن دوران در ارتباط با کار زنان و کودکان آنستکه دولت ایران در سال ۱۹۰۴ به درخواست روحانیت کار زنان و کودکان کمتر از ۱۲ ساله را در تأسیسات فرنگی (مسیحی) ممنوع اعلام کرد و چون شرکت قالیبافی زیگلر در سلطان آباد بطور وسیعی از کار زنان و کودکان استفاده می کرد از هاردینگ سفیر انگلیس درخواست معاضدت نمود و وی با سفیر روسیه تزاری وارد مذاکره شد تا بالاتفاق برای لغو این مقررات به دولت ایران فشار آورند. لکن سفیر روسیه از انجام درخواست وی خودداری کرد. با اینهمه نظر به ضعف حکومت مرکزی این مقررات نیز همچون بسیاری از قوانین و مقررات حکومتی به زودی به بوته فراموشی سپرده شد و کار زنان و کودکان ادامه یافت. منتهی وسیله ای شد برای حکام تا در برابر دریافت پیشکش و هدایا از اجرای مقررات خودداری ورزند. مثلاً مجتهدین گیلان در اواخر قرن نوزدهم کار زنان مسلمان را در تأسیسات مسیحیان ممنوع اعلام کرده بودند و طبق مدارک موجود تأسیسات روسی در گیلان با پرداخت ۲۰۰ تومان پیشکش به شعاع السلطنه حاکم ایالت گیلان اجازه استخدام کارگر زن را دریافت نمودند. منتهی طبق قراری که گذاشته شد زنان کارگر زیر نظر زن کدخدای روستاهای مربوطه قرار داشتند و بابت این خدمت روزی سه قران به هر یک از زنان کدخدا دستمزد داده می شد. همین قرار با چهار شرکت روسی دیگر نیز که در رشت فعالیت داشتند، گذارده شد.<sup>۱</sup> با اینکه مدت زمان کار برای اطفال و زنان مانند مردان بود ولی در میزان دستمزدها تفاوت زیاد وجود داشت. مثلاً در اوایل قرن بیستم بر اساس اطلاعات موجود میزان دستمزد کارگران بافنده را حدود سی شاهی می توان معین کرد، در حالی که دستمزد کارگران زن هفت و نیم شاهی و دستمزد کودکان پنج

استفاده کرده است.

۱. عبدالله یف. «کارگران ایران در اواخر قاجاریه». ترجمه مازنیا کاظم زاده. کتاب آگاه. ۱. ۱۳۶۰. ص ۱۰۳.

شاهی بود.<sup>۱</sup>

امور سیاسی: در تمام دوران سلطنت قاجاریه با اینکه اداره امور سیاسی جامعه به عهده مردان بود، ولی زنان به طور غیرمستقیم و یا مستقیماً در نهاد سیاسی جامعه نیز وظایفی به عهده داشتند. طریق غیرمستقیم که در این دوره اهمیت بیشتری داشت شرکت در شبکه ازدواج قدرتهای گوناگون بود. شاهان قاجار به استثنای محمد علیشاه هر کدام چندین زن (عقدی و صیغه) در حرمسراهای خود داشتند. مسلماً خوش گذرانی یکی از عوامل این نوع ازدواج بوده است، ولی تاریخ گواهی می دهد که عامل سیاسی (ارتباط خانواده ها، مستحیل کردن قدرتهای متعدد در کانون واحد، نیروگیری از ایلات و عشایر) بسیار مهم به شمار می رفته است. مسئله فرار گرفتن زن در شبکه قدرت مسلط فقط مربوط به شاهان نبوده است، بلکه شاهزادگان و امرای لشکر و مقامات مختلف کشوری و سران ایلات و عشایر هم در این امر شرکت داشته اند.<sup>۲</sup>

به خاطر نفوذ قوی قبیله ای، بعضی از زنان وابسته به طبقه حاکم به طور مستقیم عهده دار مشاغل سیاسی بودند. به عنوان مثال مهد علیای اول مادر فتحعلیشاه از زنان با قدرت سیاست در ایران معاصر بوده است. این زن توانسته بود از شورشهای نظامی ممانعت به عمل آورد و پایتخت را تا ورود پسرش به خوبی نگاهداری کند. هم چنین در جنگی که بین فتحعلیشاه و برادرش اتفاق افتاده بود، بین دو برادر را صلح داد. از دختران فتحعلیشاه، خازن الدوله حافظ جواهرات سلطنتی، انیس الدوله حافظ مکاتبات مهم شاه و ضیاء السلطنه قابل اطمینان ترین مشاور شاه بودند. مهد علیای دوم مادر ناصرالدین شاه زن با نفوذ دیگر این دوره بود. محمد شاه در بستر مرگ به وی سفارش کرد که تا به سلطنت رسیدن پسرش زمام امور را در دست گیرد. زنان ناصرالدین شاه نیز به تدریج قدرت سیاسی کسب کردند و شاغل شدند. مهمتر از همه آنها انیس الدوله بود. رجال مملکت با داشتن ارتباطات مستقیم و یا غیرمستقیم با آنها می توانستند در شاه اثر

۱. همان، ص ۱۰۷-۱۰۴.

۲. تکمیل همایون. پیشین، ص ۳۲-۳۱.

بگذارند. این زنان - بر حسب درجه خود - بین ۱۰۰ تا ۷۵۰ تومان ماهیانه می گرفتند،<sup>۱</sup> مضافاً اینکه از خانه داری معاف بودند.

در این دوره نیز زنان مانند گذشته در دفاع از وطن و مخالفت با زورگویان و حاکمان ظالم نقش عمده ای داشته اند. مانند: ۱- شرکت در جنبش خودجوش مردم تهران در دفاع از زنان گرجی مسلمان شده ای که سفیر روس با سماجت هر چه تمامتر می خواست با تفسیر یکی از مواد معاهده تحمیلی ترکمانچای آنان را از شوهران و فرزندان خود جدا کند و با تغییر مجدد مذهب روانه گرجستان روسیه سازد، ۲- شرکت در تظاهرات مردم تهران در دفاع از امیرکبیر، ۳- شرکت در جنبش تحریم تنباکو. علاوه بر اینها در بسیاری از نبردهای ایران (اعم از جنگهای ایران و روس، دفاع از هرات، قیام تنگستانها و چاه کوتاهی ها) نقش زنان را می توانیم ملاحظه کنیم.

امور هنری: در این زمینه نیز زنان از خود شایستگی بسیاری نشان داده اند. عده ای از زنان فتحعلیشاه و ناصرالدین شاه و شاهزادگان این سلسله با شعر و ادب در رابطه بوده اند. بعضی از دختران ناصرالدین شاه شاعران و نویسندگان خبره ای شدند. معروفترین آنها یکی فخرالدوله بود که اشعار زیبایی می سرود و چندین رمان من جمله امیرارسلان را نوشته است. دیگری تاج السلطنه بود که خاطرات قابل توجهی به رشته تحریر در آورده است. همان طور که گفته شد اگر چه ارتباط وسیعتر ایران با غرب در این دوره عمدتاً در زندگی زنان پایتخت و شهرهای بزرگ دگرگونی به وجود آورده ولی در تغییر زندگی زنان ایلات و روستاها نیز بی تأثیر نبود. زیرا توسعه سرمایه داری اروپایی سبب شد تا ایران وارد بازار جهانی شود. پیدایش تقاضاهای زیاد برای تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، به خصوص گلیم که توسط زنان این مناطق به صورت ابتدایی تهیه می شد، روش زندگی آنها را تا حدودی تحت تأثیر قرار داد. این زنان که مواد و کالاهای فوق الذکر را برای بازار تولید می کردند باعث درآمد بیشتر می شدند بدون اینکه از دسترنج خود نفعی ببرند. اضافه شدن نقش آنها در تولید به نقشهای سنتی مادر و

همسر که همچنان ادامه داشت، فشار بیشتری را نسبت به گذشته بر آنها وارد آورد. مع‌هذا این مشارکت در تولید، قدرت آنها را در خانواده بیشتر کرد و میزان جدایی دنیای زنان را از مردان تقلیل داد.<sup>۱</sup>

اشتغال زنان به انواع فعالیتهایی که بطور خلاصه شرح آن رفت به معنای برابری حقوق اجتماعی زن و مرد در این دوره نبوده است، بلکه فقط در مقایسه با گذشته می‌توان گفت که زنان، آن هم عموماً زنان طبقه حاکم، توانستند عهده‌دار مشاغل خارج از خانه گردند، وگرنه زنان معمولاً مسئول فعالیتهای داخل خانه (اعم از بچه‌داری، نظافت، آشپزی و...) بودند. آنها حتی برای تأمین آذوقه به مغازه‌ها نمی‌رفتند. زنان ثروتمند خدمتکاران خود را می‌فرستادند و زنان فقیر از فروشندگان دوره‌گرد خرید می‌کردند.<sup>۲</sup>

#### ۴- قرن چهاردهم ه. ش.

یکی از بزرگترین وقایع ایران نه فقط در این قرن بلکه در طول تاریخ ایران، انقلاب مشروطیت بود که قانون اساسی آن در ۱۴ ذی‌قعدة سال ۱۳۲۴ هجری قمری (= ۱۲۸۵ هجری شمسی و ۱۹۰۶ میلادی) به امضای مظفرالدین شاه رسید. این انقلاب تحول عظیمی در شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ایران من‌جمله در وضع زنان این سرزمین به وجود آورد. اصل هشتم متمم قانون اساسی اهالی مملکت ایران را در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق اعلام کرده بود.

تا قبل از مشروطیت با اینکه زنان در صحنه مبارزات سیاسی حضور داشتند ولی به طور جدی از حقوق اجتماعی آنها بحثی به میان نیامده بود. بعد از انقلاب مشروطیت اول کسی که در دفاع از حقوق زنان در روزنامه عدالت مقالاتی نوشت و به همین جهت مورد تعقیب قرار گرفت، سید حسین خان عدالت بود.<sup>۳</sup> پس از وی به تدریج روزنامه‌ها از زنان و حقوق آنان سخن گفتند و زنان نیز در این امر تلاشهای مفیدی کردند که به نتیجه رسید. من‌جمله تاج‌السلطنه و زنان همفکر او توانستند نقش مؤثری در نشان دادن

1. Nashat. *OP. Cit.* P.16.

2. *Ibid.* P. 20.

محرومیت‌های حقوقی زنان ایفا کنند. در خلال ۴ سال بعد از تصویب قانون اساسی که هنوز سرنوشت آن نامعلوم به نظر می‌رسید، یک گروه کوچک از زنان که اساساً متعلق به خانواده‌های طبقه بالا و متوسط رو به بالا بودند، من جمله دختران و زنان پاره‌ای از علمای برجسته، برای آگاه ساختن زنان هموطن خود و حمایت بیشتر از برقراری مشروطیت، چندین انجمن به وجود آوردند. مهمترین آنها یکی «انجمن آزادی زنان» و دیگری «انجمن مخدرات وطن» بود که هر کدام حدود شصت زن عضو داشت. این زنان به این نتیجه رسیده بودند که بزرگترین مانع برای از بین بردن بی‌عدالتی که زنان از آن رنج می‌برند جهالت آنهاست. مضافاً اینکه تحصیلات آنها را قادر خواهد ساخت تا برای جامعه مفید باشند. لذا در بین خانواده‌ها این آگاهی را ایجاد کردند که لازم است دخترانشان تحصیل علم کنند. براساس این فکر شروع به تأسیس مدرسه کردند، مانند مدارس «ناموس»، «عفتیه» و «ترقی». تا وقوع جنگ جهانی اول فقط تعداد کمی مدرسه در تهران، شیراز و اصفهان برای دختران وجود داشت.

انتشار روزنامه‌ها و نشریه‌های ادواری و مجله‌ها توسط زنان آزادیخواه روش دیگری برای آگاهی دادن به زنان بود. بعضی از مهمترین آنها عبارت بود از، مجله دانش (۱۲۸۹ شمسی)، روزنامه شکوفه (۱۲۹۹ شمسی)، روزنامه و بعد مجله زبان زنان (۱۲۹۷ شمسی) مجله جهان زنان (۱۲۹۹ شمسی)، نامه بانوان (۱۲۹۹ شمسی)، مجله عالم نسوان (۱۳۰۰ شمسی)، مجله نسوان وطن خواه (۱۳۰۲ شمسی).

به علاوه برخی از نویسندگان زن با روزنامه‌های دیگری که از طرف مردان منتشر می‌شد، همکاری مطبوعاتی داشتند.

بدین ترتیب علاوه بر مشاغلی که زنان در قرن ۱۹ عهده‌دار آن بودند، ایجاد انجمنها، انتشار روزنامه‌ها و مجله‌ها و تأسیس مدارس فعالیتهای نوینی بودند که زنان در اوایل قرن بیستم بدان اشتغال ورزیدند. این فعالیتها در برخورد با فرهنگ و تمدن اروپایی در جامعه ما پیدا شده بود.

بعد از به رسمیت شناخته شدن پادشاهی رضاخان توسط مجلس در سال ۱۹۲۵،



زنان توانستند به بسیاری از اهدافی که برای خود ترتیب داده بودند برسند که در رأس همه آنها گسترش تحصیلات عمومی برای دختران بود. اگر چه این امر در قانون اساسی پیش‌بینی شده بود (اصل هیجدهم و نوزدهم متمم قانون اساسی)<sup>۱</sup>، ولی عملاً بعد از به قدرت رسیدن رضاخان به طور جدی اجرا شد. بازگشایی روز افزون دبیرستانها راه را برای ورود زنان به دانشگاه جدیدالتأسیس تهران (۱۹۳۵) باز کرد و آنها را قادر ساخت تا حداقل در دستگاههای دولتی عهده‌دار مشاغل مشخصی گردند.<sup>۲</sup>

در واقع سه عامل عمده سبب سرعت بخشیدن به دسترسی طرفداران زن به اهداف خود گردید: آزادی سیاسی، شکوفایی فعالیتهای سیاسی و توسعه شتابان اقتصادی - اجتماعی در اواخر دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰.<sup>۳</sup>

تشدید نسبی توسعه اقتصادی به وسیله عایدات نفتی روزافزون و به دنبال آن ملی شدن صنعت نفت تغییرات اساسی در اقتصاد ایران و در نتیجه در موقعیت زنان به وجود آورد. این تغییرات اگرچه از طرفی در جهت بیشتر شدن نابرابری اجتماعی و بر باد رفتن سرمایه به دست آمده بود، ولی مبلغ بزرگی از این سرمایه مشاغل زیادی را به وجود آورد که این به نوبه خود فرصتهای استخدامی را برای زنان واجد شرایط از کارگری در کارخانه تا مشاغل سطح بالا مهیا تر کرد. ایجاد فرصتهای روزافزون برای استخدام زنان به از بین بردن مخالفت خانواده‌ها با تحصیل علم و فعالیتهای خارج از خانه زن کمک بسیار کرد. در ضمن این نکته درک شده بود که زن می‌تواند نقشهای اجتماعی مفیدی را در خارج از خانه ایفا کند. در نتیجه بسیاری از دختران جوان خانواده‌های سنتی وارد دبیرستانها و حتی دانشگاهها شدند.<sup>۴</sup>

این تغییر، بیشتر زنان مراکز شهری را تحت تأثیر قرار داد تا زنان روستاها و ایلات را.

۱. اصل هیجدهم: تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنچه شرعاً ممنوع باشد.  
اصل نوزدهم: تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.

2. *Ibid.*, P.P. 25-26.

3. *Ibid.*, P.P. 28-29.

4. *Ibid.*, P.P. 30-31.

بدین ترتیب، در قرن بیستم، خصوصاً در دو دهه آخر قبل از انقلاب اسلامی، نگرش جامعه ایرانی نسبت به زنان در همین جهت در برگیرنده تغییرات اساسی ولی کند بود. شرکت زنان در تظاهرات گسترده و عظیم بر ضد رژیم محمد رضا شاه نشان دهنده این امر بود که زنان نقش خود را فقط محدود به فعالیت‌های درون خانه نمی‌دانند بلکه به عنوان یک مسلمان و یک ایرانی کارکردن در کنار مردان را در خارج از خانه نیز وظیفه خود می‌دانند. مع‌هذا آخرین سرشماری در رژیم پهلوی (۱۳۵۵) نشان می‌دهد که در صد بسیار کمی از زنان نسبت به مردان به کار خارج از خانه اشتغال داشته‌اند (۱۳/۷٪ زن در مقابل ۸۶/۳٪ مرد در کل کشور).

واقعه مهم دیگر ایران در قرن بیستم که موقعیت اجتماعی زنان این سرزمین را تحت تأثیر قرار داده است، انقلاب اسلامی است که در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه بر انجام و وظایف مادری برای زنان تأکید شده است - به استثنای اصل ۱۱۵ که طبق آن زن نمی‌تواند رئیس جمهور شود - زن و مرد از نظر تحصیل علم و اشتغال به کار از حقوق اجتماعی یکسان برخوردارند. اصل بیستم مؤید این امر است. در این اصل آمده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند». علاوه بر آن، اصول سوم، بیست و یکم، بیست و هشتم، و چهل و سوم این قانون برخورداری زنان را از حقوق اجتماعی برابر با مردان نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

۱. در این اصل چنین آمده است: «رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ... منظور از کلمه «رجال» در اینجا «مردان» است.
۲. اصل بیست و یکم: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
  - ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست.
  - ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
  - ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست.
  - ۵- اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.
- اصل بیست و هشتم: هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و

مع هذا در عمل تقسیم کار بر حسب جنسیت مورد توجه قرار گرفته است و مشاغل معینی مانند معلمی و پرستاری است که زنان بدان تشویق می‌شوند. به علاوه زنان در پاره‌ای از رشته‌های دانشگاهی نمی‌توانند تحصیل علم کنند (۵۵/۵۵ درصد از رشته‌های گروه علوم ریاضی و فنی، ۲۳/۳۵ درصد از رشته‌های گروه علوم تجربی، ۲۸/۵۷ درصد از رشته‌های گروه علوم انسانی و ۵/۲۶ درصد از رشته‌های گروه هنر).<sup>۱</sup> بی‌تردید ادامه این وضع توزیع زنان را در مشاغل گوناگون به خصوص مشاغلی که نیاز به تحصیلات عالیه دانشگاهی دارد تحت تأثیر قرار خواهد داد و شانس مردان را در اشتغال به کار افروتر، از شانس زنان خواهد کرد.

حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.

اصل سوم: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است ... همه امکانات خود را برای امور زیر بکار برد: ...  
 ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. ۴- تقویت روح بررسی و تنبیح و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان... ۶- محور هر گونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی. ۷- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در حدود قانون. ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی... ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون....

اصل چهارم و سوم: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود: ۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. ۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه بمنظور رسیدن به اشتغال کامل و قرارداد و وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند... ۳- تنظیم برنامه اقتصادی کشور بصورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی، اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد. ۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری...»

۱. راهنمای انتخاب رشته‌های تحصیلی برای دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی. سال تحصیلی ۱۳۶۹-۷۰.



پڙهه ڪاھ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی